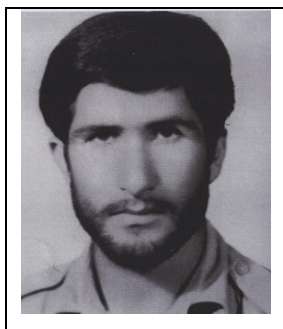


رفیق کوروش کیانی



رفیق کوروش کیانی به سال 1336 در شهرستان ممسنی واقع در استان فارس به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهرستان ممسنی و سپس در شیراز سپری نمود. در سال 1354 به عنوان دانشجوی رشته پزشکی وارد دانشگاه تهران شد.

با اوج گرفتن حرکت توده های زحمت کش و دانشجویان علیه رژیم منفور شاهنشاهی پا به عرصه مبارزه گذاشت و تا آخرین لحظه زندگی اش به آرمان و خلقش وفادار ماند و سرانجام نیز در راه سوسیالیسم جان باخت.

کوروش علاوه بر این که در یک خانواده فئودالی و نسبتاً مرفه متولد شده بود، خیلی سریع از جایگاه طبقاتی خویش کنده شد و در راه رهایی انسان ها گام نهاد و به آموختن مارکسیسم- لنینیسم، علم رهایی پرولتاریا روی آورد.

اخلاق کمونیستی و انسان دوستانه و از خود گذشتگی رفیق تأثیر به سزائی بر روی اطرافیان و جوانان محل و همسایه هایش گذاشته بود. و تمامی اهل محل علاوه بر خصلت آنتی کمونیستی شان که بر اثر تبلیغات بورژوازی، ملاکان و رژیم جمهوری اسلامی به وجود آمده بود، او را به عنوان یکی از صادق ترین و شریف ترین انسان ها می شناختند و به حرف های او اعتماد می کردند. وی اکثر اوقات خود را با زحمت کشان و جوانان محل می گذراند و به مشکلات و مسائل آنان گوش می داد و در حل مسائل آنان به کمک شان می شتافت. از این طریق رفیق رابطه عمیقی با توده های اطراف خود برقرار کرده بود.

عمل کردها و برخوردهای کوروش حتی روی عناصر " حزب الله " رژیم اثر گذاشته بود و حتی تعداد زیادی از جوانانی که بر اثر تبلیغات و احساسات، جزو چماق به دستان رژیم بودند، از رژیم کنده شده و جذب نیروهای انقلابی شده بودند.

رفیق از هرگونه امکان جهت پیش برد اهداف انقلابی و کمونیستی اش استفاده می نمود.

او از جمله کسانی بود که پرچم مبارزه علیه فئودال ها را در منطقه بلند کرده بود و با توجه به این که نوک حمله متوجه اقوام و خویشان درجه اول خود او بود، می

توان درجهٔ صداقت انقلابی او را دریافت. همیشه در صفوف اول تظاهرات خواستار مصادرهٔ زمین‌های خوانین و بزرگ مالکان بود. و از این بابت مورد محبوبیت تودهٔ مردم قرار گرفته بود. رفیق با اعلام موجودیت " راه کارگر" به سازمان ما پیوست و برای مدت کوتاهی در تهران و سپس در شهرستان ممسنی فعالیتش را شروع نمود. با کار شبانه روزی رفیق و دیگر رفقا و به وجود آوردن تشکل‌های دمکراتیک در میان معلمان، دانش‌آموزان، دانش‌جویان و ... به تبلیغ و ترویج نظریات سازمان پرداخت و در مدت کوتاهی تشکیلات " راه کارگر" در منطقه به وزنه‌ای سنگین تبدیل شد و می‌توان گفت به فعال‌ترین و محبوب‌ترین تشکیلات در منطقه تبدیل شد.

از خود گذشتگی، تحمل درد و مشکلات، انتقادهای بجا و سازنده، هنر دوستی و هنرمندی در رشتهٔ موسیقی، نشاط و شور انقلابی، صداقت و مهربانی و مردم دوستی و دیگر خصلت‌های بارز رفیق، وی را از سایر روشن‌فکرهای در خود فرورفته و محفل‌گرا جدا ساخته بود.

بیت زیر همیشه ورد زبان رفیق بود و در زندگی و مبارزه اش هیچ وقت و هیچ لحظه‌ای آن را فراموش نکرد:

" ما زنده از آنیم که آرام نداریم موحیم که آسودگی ما عدم ماست"

رفیق علاقهٔ زیادی به کوه نوردی و کارهای جمعی داشت و همیشه در این موارد پیش قدم بود. علاوه بر جنب و جوش و فعالیت شبانه روزی، هیچ وقت خستگی و احساس درد در چهرهٔ رفیق دیده نمی‌شد. در سخت‌ترین لحظات، سخت‌ترین مسئولیت‌ها را می‌پذیرفت و برای سایر رفقا به مثابهٔ پدر، دوست، برادر، مشاور و واقعاً رفیق بود.

بر اثر نفوذ زیاد کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در توده‌های رحمت‌کش و سایر اقشار جامعه و انزجار بیش از حد مردم نسبت به رژیم، پاسداران رژیم قبل از حمله به سایر شهرستان‌ها به نیروهای کمونیست و انقلابی در اسفند 1359 به خانه و کاشانهٔ عناصر انقلابی در این شهرستان حمله نموده و تعداد زیادی از مردم را دستگیر نمودند. رفیق کوروش نیز بر اثر حساسیت رژیم نسبت به نفوذ وی در توده‌ها و به ویژه معلمان، دانش‌آموزان، دانش‌جویان و ... در اواسط تابستان 1360 با حملهٔ شبانهٔ پاسداران سرمایه به خانهٔ وی، دستگیر و روانهٔ زندان کازرون گردید.

علاوه بر این که رفیق در طول دورهٔ بازداشت، امکان فرار برایش فراهم شده بود، ولی به دلیل در نظر گرفتن این که سایر زندانیان، اعم از مردم عادی یا هواداران سازمان‌های دیگر و حتی رفقای هوادار " راه کارگر" امکان فرار نداشتند، ترجیح داد از

امکان فرار خود صرف نظر کند تا مبادا اثر بدی در ذهنیت سایر زندانیان بگذارد. در بی دادگاه رژیم اسلامی، با دفاع انقلابی و کمونیستی از سازمان و آرمانش به مرگ محکوم گردید و در سحرگاه چهارم مهر ماه 1360 با نثار خون خود در راه سوسیالیسم، وفاداریش را به طبقه کارگر و آرمانش تا آخرین لحظه زندگی ثابت نمود.

رفیق همچنین در پایان وصیت نامه اش، تنها دارائیش را که باغچه کوچکی بود که با کار و دست خود آن را بارور کرده بود، به یکی از دهقانان بی زمین دهکده شان هدیه نمود.

علازغم فشار و محدودیت های رژیم نسبت به تشییع جنازه رفیق، مردم به طور وسیع در مراسم عزاداری رفیق شرکت نموده و بدین طریق نفرت و انزجار خود را از رژیم اعلام کردند.